

مهریه را هم می دهند و هم می گیرند

هفته گذشته رئیس هیئت امنای ستاد دیه آمار عجیبی اعلام کرد: «اکنون بیش از ۲ هزار و ۲۰۰ زندانی مهریه در ندامتگاه های کشور تحمل حبس می کنند». البته براساس شواهد، توقع داشتیم این آمار بیشتر باشد که وی افزود: «امبارخی خانواده هابر حسب باور غلط خود اعلام می کنند که مهریه را چه کسی داده و چه کسی گرفته است!»



استحاله مهریه در این دوران

به مرور زمان مهریه تأثیرش را از دست داد و دیگر باعث چسبیدن زن و شوهرها به هم و به زندگی مشترک نبود. از یک طرف، بعضی عروس خانم ها کار کشته شدند و یاد گرفتند که با مهریه هایشان کاسبی راه بیندازند. از طرف دیگر هم آقا دامادها حساب کار دستشان آمد و راه هایی یافتند برای دور زدن مهریه و عروس خانم و خانواده اش و فامیل و وابستگان. برای همین مهریه دیگر آن خاصیت چسبندگی اش را از دست داد.

فلسفه مهریه در آغاز تاریخ

زمان انسان های اولیه که مهریه اختراع شد، پدر و مادر عروس اولیه می خواستند ضمانتی از داماد اولیه بگیرند تا دخترشان به بیوه اولیه تبدیل نشود. پس فکر کردند چه کار بکنند تا آقا داماد زن دزیر کاسه و کوزه زندگی مشترک، یا سر دخترشان هووی ثانویه نیاورد، یا به بهانه های الکی مثلاً «چرا غار رو جارو نکشیدی؟ چرا روغن تی رگس مغز پخت نشده؟ چرا اون روز به اون گور یله خندیدی؟ و...» دخترشان را نفرستد به غارشان. به همین دلیل، برای شازده داماد شروطی گذاشتند. مثلاً گفتند اگر خواستی دخترمان را طلاق بدهی، باید آن چماق را بکنیم توی دماغت، یا باید یک غار یا ماموت شاسی بلند به نام دخترمان بزنی.

جایگزین های مهریه سنگین

با این همه، اگر قرار باشد جوان ها از مهریه بترسند که به مرور از دواج و نسل بشر منقرض خواهد شد. برای همین می توان به جای مهریه های سنگین، جایگزین هایی گذاشت که هم داماد توان پرداختش را داشته باشد و هم خانواده عروس خیالش را راحت باشد که قرار نیست دخترشان بالباس سفید به خانه بخت برود و با همان لباس سفید به اضافه یک بچه در بغل به خانه پدرش باز گردد. جایگزین هایی مثل... مثل... مثل قول مردانه. راستش چیز دیگری به ذهنمان نرسید. توکل کنید و بروید جلو. همین!

حالا واقعی راه و کی گرفته؟

از همان روز اول خانواده عروس در جواب خانواده داماد که «چه خبره این قدر زیاد؟» لبخند می زدند و می گفتند «خیالتون راحت... مهریه رو کی داده و کی گرفته» و البته که خودشان می گرفتند و داماد هم مجبور می شد بدهد. کم کم مهریه به جای آنکه باعث استحکام ازدواج ها شود، مایه استحکام جوان هادر خانه پدری شان شد. یک عده دختر و پسر که به خاطر مهریه های وحشتناک افسرده شدند و بی هدف و سردرگم، قید ازدواج را زدند و کنج غار تنهایی شان مشغول سماق میکیدن شدند.



ای که به چیپس فلفلی، گاز هماره می زنی سعی بکن که بر زمین، پاکت آن نیفکنی
سرو چمان من چرا میل چمن نمی کند؟ بس که به هر چمن بود بطری آب معدنی

چی تو دستاته؟ پوست پرتقاله؟ می خوای پرتش کنی؟! نه! این محاله!
عزیزم! شهر مثل خونه توست تو توی خونه می ریزی زباله؟

